

شریفی: البرز به یکی از قطب‌های ارزشمند تئاتر کشور بدل شده است

در حاشیه هفتمین روز برگزاری چهاردهمین جشنواره تئاتر استانی البرز، پاره‌ایم شریفی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز - با اشاره به سطح بالای کیفی آثار و هم‌ترازی ناهادهای فرهنگی استان، گفتمت حمایت مستمر از جولان و ایجاد زیرساخت‌های آموزشی و اجرایی، مسیر رشد تئاتر البرز را هموار ساخته است.



به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز، در دومین روز چهاردهمین جشنواره تئاتر استانی البرز، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز با حضور رضا مردانی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی

کشور، قرارداد دفاعی مدیر امور استان‌ها، مؤلفان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز برگزار شد. شریفی با حضور در محل اجرا، ضمن قدردانی از برگزاری کاندیدگان جشنواره، پیش‌سخنه آثار بازدید و عملکرد کارگردانان و گروه‌های نمایشی را از نزدیک ارزیابی کرد.

او با اشاره به جایگاه جشنواره گفت: جشنواره تئاتر استانی، بهترین و مهم‌کام تلاش هنرمندان تئاتر هر استان است و در دوره چهاردهم، البرز با حضور بیش از ۳۰ گروه نمایشی به شکلی منظم و هدفمند در مسیر رشد حرکت کرده است. استان البرز جشنواره با برنامه‌ریزی دقیق دبیر خانه، ستاد اجرایی و هم‌راهی شورای سیاست‌گذاری، یکی از منسجم‌ترین دوره‌های سال‌های اخیر بود که باید از همه همکاران، دوستان و معارف هنری و سینمایی آفرانه کل، دبیر محترم جشنواره و گروه نمایشی تقدیر کرد.

شریفی در پاسخ به پرسشی درباره چالش‌های اجرایی جشنواره گفت: طبیعت هر جشنواره‌ای با دشواری‌هایی همراه است از آمادگی سازمان‌ها و هماهنگی زمان‌بندی گروه‌ها گرفته تا انتخاب داوران. حرکت‌ها اما آنچه باعث گذر از همه این چالش‌ها شد، روحیه همدلی و همکاری میان کارکنان آفرانه کل، هنرمندان و نهادهای همکار بود. از نیروهای خدما، کارشناسان هنری، اعضای شورای سیاست‌گذاری، گرفته تا اهالی تئاتر استان، همگی با عشق و انگیزه کار کردند تا این دوره به نتیجه‌ای درخور برسد.

پس از آنکه در زمانه‌ای هستیم که ارزش هر چیز با برچسب قیمتش تخمین زده می‌شود، هر چه گران‌تر بهتر! گروه نویسندگان مؤسسه مدرسه زندگی در کتاب از چیزهای ارزان بیزار پیام آشنا در زمانه‌ای هستیم که ارزش هر چیز با برچسب قیمتش تخمین زده می‌شود، هر چه گران‌تر بهتر! گروه نویسندگان مؤسسه مدرسه زندگی در کتاب از چیزهای ارزان بیزار بودند، به بررسی رابطه پیچیده میان قیمت و ارزش پرداختند و این موضوع را بررسی می‌کنند که چرا ما در فرهنگ مدرن نسبت به اشیاء و تجربیات بی‌اعتنا یا حتی بیزار شدیم و چرا به مشاغل کم‌ارز یا دیدنی تحقیر نگاه می‌کنیم؟

درباره کتاب از چیزهای ارزان بیزار بودن گسست تاریخی میان بها و ارزش، موضوع مهمی است که در کتاب از چیزهای ارزان بیزار بودن (Why We Hate Cheap Things) مطرح می‌شود. گروه نویسندگان مؤسسه مدرسه زندگی (The School of Life) نشان می‌دهند که این گسست میان بها و ارزش، صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه پدیده‌ای عمیق فرهنگی و روان‌شناختی دارد. آن توضیح می‌دهد که ذهن ما طی قرن‌ها به گونه‌ای تربیت شده است که قیمت را نشانه‌ای از کیفیت و اهمیت بداند. برای ریشه‌یابی این معضل باید به گذشته نگاه کنیم. گروه نویسندگان جستر فلسفی از چیزهای ارزان بیزار بودن، انقلاب صنعتی را به‌عنوان نقطه عطفی در رابطه دریا به تازگی و ارزش تلقی می‌کنند. پیش از آن، کیفیت و کم‌ارز کالاها ارتباط مستقیمی با قیمت نداشتند. چیزهای گران‌قیمت، نشانه‌ای از دوام، زیبایی و شأن اجتماعی را در خود داشتند. اما با ظهور ماشین‌آلات، خط تولید و فناوری‌های نوین، کالاهایی که پیش‌تر تنها در دسترس طبقات ممتاز بودند، به شکل انبوه و ارزان تولید شدند.

زبیبای گمشده در هیاهوی جهان سرمایه‌داری اما منظور از این موضوع چیست؟ نویسندگان کتاب از چیزهای ارزان بیزار بودن، تأکید می‌کنند که ارزان شدن کالاها و تجربه‌ها، اگرچه عدالت اجتماعی و دسترسی‌پذیری را افزایش داد، اما به‌طور ناخواسته باعث شد ما ارزش نماندن آن‌ها را از دست بدهیم. در واقع، ذهن انسان همچنان عادت دارد، بها را معیار کیفیت بداند. وقتی چیزی ارزان می‌شود، ناخودآگاه آن را کم‌ارزش‌تر و بی‌ارزش‌تر تلقی می‌کنیم. حتی اگر همان کیفیت و لذت پیشین را داشته باشد. طرح این موضوع، مقدمه‌ای است برای نقد عمیق فرهنگ مصرفی و سرمایه‌داری مدرن. نویسندگان می‌خواهند نشان دهند که ما گرفتار یک خطای اطراف می‌گردیم؛ هستیم یعنی قیمت را به جای ارزش ناشی می‌گیریم. این خطا نه تنها در مورد اشیاء و تجربه‌ها، بلکه در مورد انسان‌ها نیز رخ می‌دهد. در آمد فراد به اشتباه به‌عنوان شاخص ارزش اجتماعی، آن‌ها را به‌عنوان بی‌ارزش، بی‌توان و بی‌ارزش تلقی می‌کنیم. روایت تاریخی نیست، بلکه بستری است برای فهم اینکه چرا امروز هم در زندگی روزمره، بسیاری از چیزهای ساده و ارزان را بی‌اعتنا کنار می‌گذاریم و در نتیجه از لذت‌های واقعی محروم می‌شویم. باید یاد بگیریم چیزها را همان‌طور ببینیم که یک هنرمند می‌بیند: فلز از قیمت، با تمرکز بر زیبایی، معنا و ارزش.

نکته‌های کتاب از چیزهای ارزان بیزار بودن * این کتاب شامل شش جستر مستقل است. اما جستر سوم با‌عنوان «تعمیر کرده‌های بی‌کار رشته‌های هنر و علوم انسانی» به تئوری ارزش کتاب را دارد. سه جستر بعد از آن نیز خوب و خواننده هستند. جستر «تعمیر کرده‌های بی‌کار رشته‌های هنر و علوم انسانی» ساده، قابل پیش‌بینی است. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که رشته‌های علوم انسانی و هنر با بحرانی جدی روبرو هستند و این جستر برای توجیه وجود آن‌ها و ازبانی کیفیت آموزش‌شان، انگوی تازیبی پیشنهاد می‌دهد (کاربر آموزن) * این کتاب کج‌جمله‌ای مؤسسه مدرسه زندگی، ما را وادار می‌کند تا در مورد ارزش گذاری چیزها یک بازنگری داشته باشیم. با خواندن این کتاب می‌فهمیم که چگونه خرید کنیم و چگونه در زندگی کوتاه خود در زمین زمان بگذرانیم. پرسش‌های ما، فصل پایانی این جستر فلسفی، نشان می‌دهد که می‌توان به جای استفاده از جملات جنسی برای فروش کالاها، توجه خریداران را به جنبه‌های انسانی معطوف کرد. تئیا انتقادی که درام این است که ای کاش کتاب طولانی‌تر بود و با مامل‌های بیشتری توضیح داده می‌شد. (کاربر آموزن)

کتاب از چیزهای ارزان بیزار بودن برای شما مناسب است اگر * می‌خواهید یک جستر فلسفی روان‌شناختی کوتاه اما عمیق را در دست‌گیرید * پیش‌تر کتاب‌هایی از مجموعه مدرسه زندگی خوانده‌اید و می‌بانت از مجموعه برای شما جذاب بوده است. * مدفقه نقد سرمایه‌داری مدرن و فرهنگ مصرفی را دارید و تمام متیان مرتب‌را جستجو می‌کنید * به دنبال تحلیل رفتار مصرف‌کننده، جشن خرید هستید و همیشه مدفقه نقد پیرامون رفتار محتمل‌گرایان‌بین‌تان دارید.

پوستر چهل و یکمین جشنواره موسیقی فجر رونمایی شد

پنجمین جلسه شورای سیاست‌گذاری چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر با حضور مشاور عالی وزیر و سرپرست معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رونمایی از پوستر این جشنواره برگزار شد.

شکری مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، آرش امیتی دبیر چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، مریم نقیعی معاون دفتر امور موسیقی، بهرام خلیلی گرافیست و طراح پوستر، پناهک پجوی همکار طراح پوستر و اعضای اصلی و مشورتی شورای سیاست‌گذاری چهل و یکمین جشنواره موسیقی فجر، نصیر حیدریان، بهزاد عبیدی، ستاره بهشتی، شهرام سارمی و حجت فرجیان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

کرهای مهم جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر مربوط به ستایشی استفاده‌های درخشان است. وی گفت: در جشنواره ملی موسیقی جوان هم شاهد نوآندگی و اجرای بسیاری از این استفاده‌های درخشان بودم و به آقای حمیدرضا اردلان دبیر جشنواره هم گفتیم که انتظار چنین نوآندگی‌هایی را از فضا داشته‌ام اما از این جوانان نه برخی استعدادهایی که دیدم جاوت از سن‌شان نوآندگی می‌کردند و این اجراها فاگاکیر کنتسبید.

شکری مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، آرش امیتی دبیر چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، مریم نقیعی معاون دفتر امور موسیقی، بهرام خلیلی گرافیست و طراح پوستر، پناهک پجوی همکار طراح پوستر و اعضای اصلی و مشورتی شورای سیاست‌گذاری چهل و یکمین جشنواره موسیقی فجر، نصیر حیدریان، بهزاد عبیدی، ستاره بهشتی، شهرام سارمی و حجت فرجیان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

آسیب‌شناسی یک‌مراسم فرهنگی کتاب در محاصره شهرت

صف صدمتری برای یکی از «کارگردان-بازرگان‌های شهرت» تصویر گویا و وضیعت تازه بازرگان‌کتاب است. کتلی معمولی با استانداردهای متوسط ادبی، چنان از حلقه‌ای برای انکار رفتن دارد که گویی با کشف ادبی بزرگی مواجهیم. این صف طولانی تنها یک نشانه است. نشانه تغییر است که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان نمایش می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، در این گزارش تا نلریم به تمجید یا تقیح اسمی از کسی بریم؛ آنچه اهمیت دارد و نیازمند یک آسیب‌شناسی است. روند نامعومی است که در چند سال اخیر در عرصه فرهنگ شاهدش بودیم؛ روندی که مصداق آن را مشخصاً در «رونمایی‌های» می‌تیم رونق کتاب در ذات خود رویدادی فرهنگی است. اما آنچه این روزها زیر عنوان «رونمایی» برگزار می‌شود بیشتر به جستجوی برای چهره‌ها شباهت دارد تا پاسلدت متن. صف‌های طولانی برای امضای رفتن از نویسندگان مشهور غیرادبی و آیین‌های پرزرق‌وبرق، مسیر کتاب را از فرهنگ به نمایش می‌کشند.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

صف صدمتری برای یکی از «کارگردان-بازرگان‌های شهرت» تصویر گویا و وضیعت تازه بازرگان‌کتاب است. کتلی معمولی با استانداردهای متوسط ادبی، چنان از حلقه‌ای برای انکار رفتن دارد که گویی با کشف ادبی بزرگی مواجهیم. این صف طولانی تنها یک نشانه است. نشانه تغییر است که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان نمایش می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.

که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود. نمونه دیگر، جشن رونمایی بزرگ و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است. مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌های شعرهای دوران جوانی است. اما به مراسمی پرزور و هیاهو تبدیل می‌شود. پر از بازنگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک روز رسانه‌ای اصل ماجرا کتاب نیست. شبکهای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پر حاشیه می‌سازد. شات‌های دوفرّه و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرص دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به خودی‌خود شکل ندارد. اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایش قرار می‌گیرد که کتاب تنها اثر آن است.